



شمخانی: همه ما در یک کشتی نشسته‌ایم!



شرم‌شکوه‌مند

درباره مرگ احمد احمدپور (محمدرضا نعمت‌زاده) بازیگر فیلم خانه‌دوست کجاست

امیر جدیدی

عکاس و روزنامه‌نگار

باورم نمی‌آمد که از شنیدن خبر مرگ یک هنرمند، آن‌هم بازیگری که در چند سکانس از یک فیلم دیده بودم اینقدر پریشان شوم. خبر مرگ احمد احمدپور (محمدرضا نعمت‌زاده) در ۴۶ سالگی اما خراب عالمم کرد. دوباره و بلکه ده‌باره می‌نشینم به دیدن شرم شکوهمندی که در صورت محمدرضا نعمت‌زاده «خانه دوست کجاست» به تصویر می‌آید. به حق هق زدن کودک معصومی که شرم به او اجازه نمی‌دهد حقیقتی را به زبان بیاورد. محمدرضا تنبلی نکرده بود. او حتی مشق‌هایش را هم نوشته بود، اما به هر دلیلی دفترش را در خانه پسر خاله‌اش جا گذاشته بود. یک لحظه تصور کنید... می‌توانید تصور کنید که بچه‌ای از دار دنیا فقط فقط یک دفترچه چهل برگ داشته باشد؟ صحبت برای چهل سال پیش است. به نسلی که از شش طرف توی سرش می‌کوبیدند و دم نمی‌زد. به نسلی که آینه تمام‌نمای معصومیت بود؛ به کودکانی که قرار بود درست و آدم حسابی تحویل اجتماع شوند. حالا که دوباره در احوال فیلم غرق می‌شوم معنای عوض شدن نسل را با گوشت و پوست و جان می‌فهمم. تصویر و تصویری که خیلی سال است در مخیله‌مان هم جایی ندارد. روزگار عوض شده است. نمی‌خواهم مثل نوستالژی‌زده‌ها حسرت روزهای رفته را بخورم. اصلاً دلم نمی‌خواهد دل بچه‌ای به خاطر چند دقیقه دیر رسیدن به مدرسه یا نوشتن مشق‌های تکراری احمقانه لرزیده شود. اما آن بچه‌ها، مگر چه گناهی کرده بودند؟ چه گناهی کرده بودند که کسی آدم حسابشان نمی‌کرد؟ چه اتفاقی افتاد که همه فهمیدند با آن شیوه‌های تربیتی آدم درست تحویل اجتماع داده نمی‌شود که اگر بشود با هزار اما و اگر گیر ذهنی به جامعه می‌آید. شما یادتان می‌آید که چطور همه آن شیوه‌های تربیتی به چاه تاریخ رفت؟ مرگ احمد احمدپور به یک اعتبار نقطه پایان کودکان معصومی است که در تنهایی غریبی به جوانی رسیدند... آقای محمدرضا نعمت‌زاده (احمد احمدپور) ما که بالاخره نفهمیدیم خانه دوست کجاست؟ اما اگر آن دنیا کسی از تو سوال کرد جوابش بده: **نرسیده به درخت کوچه باغی است که از خواب خدا سبزتر است**



آموزه‌های حقوق عمومی در اندیشه میرزای نائینی



ابراهیم ایوبی

وکیل دادگستری

۱۴ مردادماه امسال جنبش مشروطیت وارد یکصدمین سال خود شد و رسانه‌ها به بررسی تاریخی موضوع پرداختند. انتشار متن سخنان مقام رهبری به مناسبت برگزاری کنگره میرزای نائینی، نام او را که از فقهای پیشتاز مشروطه بود، دوباره بر سر زبان‌ها انداخت. در بخشی از این بیانات آمده است: «ایشان یک نقطه‌ی شخصیت استثنائی دارد که هیچ‌کدام از مراجع اخیر ما – حالا گذشته‌ها هم همین جور، [از بین] گذشته‌ها من یادم نمی‌آید – این نقطه را ندارند که مسئله‌ی سیاسی است؛ یا به‌اصطلاح اندیشه‌ی سیاسی است. اندیشه‌ی سیاسی غیر از گرایش سیاسی است. بعضی‌ها گرایش سیاسی داشتند، «بدون شک مانیفست فقهی/حقوقی/سیاسی نائینی کتاب «تنبیه‌الامة و تنزیه‌المله» است. گفته‌شده نام کامل کتاب «تنبیه‌الامة و تنزیه‌المله‌فی لزوم المشروطیةالدولة المنتخبه لتقلیل الظلم علی افراد الأمة وترقیة المجتمع» که نشان‌دهنده رویکرد کتاب در نظریه‌پردازی فقهی مشروطیت ایران است که در عمل اثربخش بود و روحانیون را با جنبش حقوق اساسی همراه کرد.

سید جواد طباطبایی درباره رویکرد روشنگرانه علمای مشروطه از جمله میرزای نائینی گفته است: «در این دوره نخستین نظام قانونی دوران جدید ایران ایجاد شد. با تدوین این قانون‌ها که با روح شرع و الزامات زمان سازگار بود، فقه به حقوق جدید تبدیل و حقوق جدید ایران تدوین شد. این تدوین قانون‌های جدیدو ایجاد نظام حقوقی یگانه امکانی بود که می‌توانست راه تحول اسلام و سازگاری آن با تحولات زمان را هموار کند. سبب اینکه در جنبش مشروطه‌خواهی و پس از آن بحث سکولاریزاسیون مطرح نشد جز این نیست که روشنفکری آن دوره تلقی درستی از ماهیت اسلام داشت». مهمترین دستاورد در این زمینه «قانون مدنی» است که پس از گذشت نزدیک به یک قرن از تصویب، همچنان (صرف‌نظر از نیاز به اصلاح بخش‌هایی به دلیل تحولات اجتماعی/اقتصادی مانند حقوق خانواده) از نظر ساختار، چگونگی تدوین، نگارش و از همه مهمتر نحوه تلفیق فقه و حقوق، کارآمد بوده و الگوی قانون‌نویسی به شمار می‌رود.

اما کتاب «تنبیه‌الامة و تنزیه‌المله» چه آموزه‌هایی برای حقوق امروز ایران و به‌ویژه حقوق عمومی (گرایشی از دانش حقوق که به روابط دولت و ملت می‌پردازد) دارد؟ نائینی در مقدمه رساله خود، به شرح مفاهیمی چون «استبداد»، «مشروطیت»، «قانون اساسی»، «مجلس شورای ملی»، «حریت» و «مسالوات» پرداخته و سپس با تقسیم حکومت به دو نوع، یکی «استبدادیه» (که آن را مترادف الفاظی چون تملیکیه، خودسرانه، دلخواه و استبدادیه می‌داند) که در این نظام فرمانروا حاکم مطلق و فعال مایشاء است و چنین ساختاری ناشی از ناآگاهی ملت بر وظایف حاکم و در میان نبودن محاسبه و مراقبه است؛ و دیگری حکومت «مقیده»، «محدوده»، «اعادله»، «مشروطه» و «مسئوله» که در این نظام، اساس زمامداری مصالح جامعه، عدم تعرض به حقوق مردم و وجود نظام‌نامه یا قانون اساسی است. اگر بخواهیم این مفاهیم را به زبان امروزی دنیای حقوق و سیاست ترجمه کنیم، همان مردم‌سالاری و حکومت قانون در برابر خودرأیی و خودکامگی است. وی معتقد بود که پیامبر اسلام ملزم به مشورت با دیگران بوده و خطاب قرآن به پیامبر برای مشاوره با دیگران، تعارف نبوده و اگر او با دیگران مشورت نمی‌کرد، حکومت پیامبر اسلام مانند حاکمان مستبد می‌شد.

ارزش کار نائینی زمانی بیشتر آشکار می‌شود که بدانیم علمای دیگری برداشتهی متفاوت از جنبش حقوق اساسی ملت ایران داشتند و با تفسیری که از شریعت اسلام ارائه می‌کردند، مفاهیم حقوق امروز را در برابر مبانی فقهی و کتاب و سنت می‌دانستند. از ابتدای کتاب میرزای شیرازی دو تریقظ از شیخ عبدالله مازندرانی و شیخ محمدکاظم خراسانی در تأیید رساله دیدگاه‌های میرزا وجود دارد که نشان می‌دهد وی تنها نبوده و مراجع بزرگی از اندیشه‌های او پشتیبانی می‌کرده‌اند. بهترین نسخه منتشر شده از «تنبیه‌الامة و تنزیه‌المله» به کوشش سیدمحمود طالقانی بوده که علاوه بر توضیحات و پانوشت، مقدمه‌ای نیز بر آن نگاشته است که در بخشی از آن می‌خوانیم: «گرچه این کتاب برای اثبات مشروطیت نوشته شده، ولی اهمیت بیشتر آن به دست دادن اصول سیاسی و اجتماعی اسلام، نقشه و هدف کلی حکومت اسلامی است، امید است پیشوایان بیدار دینی و مسلمانان غیرتمند به وسیله دقت و توجه به مطالب کتاب و چشم‌گشودن به وضع ملت مسلمان، با وحدت نظر برای اصلاح و نجات مسلمانان بچینند». شایعه‌ای وجود دارد که میزرا در اواخر عمر نسخه‌های کتاب را جمع‌آوری کرده است، حتی بر فرض صحت شایعه، استدلالات نویسنده همچنان پابرجا بوده و برای توسعه حقوق عمومی در ایران راهگشاست.

ایشان چاپ کردند و باورقی زدند و کارهایی مانند اینها کردند. ولی تا الان هم این کتاب هنوز همچنان مهجور است در حالیکه کتاب مهمی است». رهبری در تبیین محورهای اصلی کتاب تنبیه‌الامة گفتند: «اولاً ایشان معتقد به تشکیل حکومت اسلامی اند؛ یعنی این خودش یک فکر است که باید حکومت اسلامی تشکیل بشود. البته ایشان شکل حکومت را معین نمی‌کنند اما در اینکه باید حکومت اسلامی تشکیل بشود، در بیانات‌شان در تنبیه‌الامة تصریح دارند. این یک مطلب که خیلی چیز مهمی است. دوم اینکه، نقطه اصلی این حکومت اسلامی، مسئله «ولایت» است؛ ایشان تعبیر می‌کنند به حکومت ولایتیه، در مقابل مالکیت استبدادیه؛ به‌نظم یک تعبیر این‌جوری دارند که ایشان در مقابل حکومت استبدادیه، مالکیت استبدادیه، حکومت ولایتیه، حکومت اسلامی ولایتیه بیان می‌کند؛ یعنی شکل حکومت، محتوا و مغز حکومت عبارت است از «ولایت» که این خودش یک مسئله خیلی مهمی است و جای حرف فراوان دارد؛ ایشان این را تصریح کردند. نکته بسیار مهم بعدی دیگر، مسئله «نظارت ملی» است. ایشان معتقدند که بایستی حکومت تحت نظارت باشد؛ تمام مسئولان مسئولیت دارند و باید تحت نظارت قرار بگیرند. خب، چه کسی اینها را تحت نظارت قرار بدهد؟ به تعبیر ایشان «مجلس مبعوثان» که قانونگذار است. علی‌القاعده «مجلس مبعوثان» مثلاً منطبق می‌شود با مجلس شورایایک چنین چیزی. مجلس مبعوثان را چه کسی تشکیل می‌دهد؟ مردم تشکیل می‌دهند؛ یعنی مردم می‌روند انتخابات می‌کنند و مجلس مبعوثان تشکیل می‌شود؛ بعد مجلس مبعوثان قانونگذاری می‌کند لکن آن قانونگذاری اعتبار ندارد، مادامی که مورد تأیید علمای بر جسته دینی قرار نگیرد؛ یعنی شورای نگهبان؛ ایشان این‌جوری بیان می‌کنند. ایشان تصریح می‌کند که قانون مجلس مبعوثان اعتبار ندارد، تا وقتی که مورد تأیید علمای دین و فقهای اسلامی قرار بگیرد. این مجلس مبعوثان را باید مردم انتخاب کنند؛ می‌گویند که انتخابات مردم واجب است، به مناسبت مقدمه واجب بودن؛ این تعبیر «مقدمه واجب» را ایشان ذکر می‌کنند و می‌گویند مقدمه واجب است، پس بنابراین، این انتخابات مثلاً واجب است و ایشان به امر به‌معروف و نهی از‌منکر، محاسبه، مسئولیت کامل، به این چیزها تکیه می‌کنند. یعنی شما ملاحظه کنید که ایشان حکومتی را ترسیم می‌کنند و به‌اصطلاح ارائه می‌دهند به عنوان اندیشه سیاسی، که اولاً حکومت است، قدرت است؛ ثانیاً منبعث از مردم است، مردم انتخاب می‌کنند؛ ثالثاً منطبق بر مفاهیم دینی و احکام الهی و شرعی است یعنی بدون آن معنی ندارد؛ یعنی یک حکومت اسلامی و مردمی. اگر چنانچه بخواهیم به تعبیر امروز این حکومت اسلامی و مردمی را بیان کنیم، می‌شود «جمهوری اسلامی». «جمهوری» [یعنی] مردمی است، «اسلامی» هم اسلامی است. البته ایشان هیچ نزدیک به این جور تعبیرات نمی‌شوند و [این‌جوری] بیان نمی‌کنند. لکن حرف [ایشان] این است: حکومتی تشکیل می‌شود با یک عده‌ای از متدینین و مردم صالح و مؤمن، با انتخاب مردم و با نظارت شدید مردم؛ و مسئولین هر بخشی معین می‌شوند که پاسخگو هستند و باید به سؤالات جواب بدهند، و آن مبعوثان هم باید قانون وضع کنند، و این قانون هم بدون رعایت علمای دین اعتبار ندارد. حرف‌های ایشان این است. این مسئله خیلی مهمی است». در این دیدار، علیرضا اعرافی مدیر حوزه‌های علمیه گزارشی از برنامه‌ها و فعالیت‌های همایش بین‌المللی بزرگداشت علامه‌نائینی بیان کرد.

شده است. اعتبارات دولتی تنها بخشی از مسیر را هموار می‌کند؛ اما اگر قرار بود همه کارها با بودجه دولتی پیش برود، بسیاری از طرح‌ها نیمه‌تمام می‌ماند. آنچه امروز انجام می‌شود، نتیجه مشارکت مردم، پیگیری‌های محلی و بهره گرفتن از ظرفیت مسئولیت‌های اجتماعی شرکت‌ها و خیرین است.» پزشکشان افزود: «تنها برای سال جاری، بیش از ۳۰ هزار میلیارد تومان از محل مشارکت‌های مردمی و مسئولیت‌های اجتماعی در طرح‌های آموزشی و عمرانی به کار گرفته شده است. این نشان می‌دهد که سرمایه اصلی ما مردم اند؛ همان‌ها که در سخت‌ترین شرایط، بالیامان و همکاری، کارهایی را به سرانجام می‌رسانند که بودجه‌های دولتی از انجام آن ناتوان بوده‌اند. رئیس جمهور با بیان اینکه میزان کل اعتبارات بودجه روشن و غیرقابل پنهان‌سازی است، اظهار داشت: «اگر ما اعتباری را به طرحی ندادیم، دلیل دارد؛ نمی‌توانیم یک‌باره بیابیم و اجرای ۳۰۰ پروژه را امضاء کنیم در حالی که منابع لازم موجود نیست. هم‌کنون پروژه‌هایی به ارزش چند هزار همت در دست اجراست که باید تکمیل شوند و وعده‌هایی به‌میزان شش میلیون میلیارد تومان داده شده که منابع مالی آن موجود نیست. باید از خود برسیم چرا حرفی می‌زنیم که توان اجرای آن را نداریم. او تأکید کرد: «اگر قرار است پروژه‌ای آغاز شود، باید توان اتمام آن هم وجود داشته باشد؛ اجرای پروژه بدون تأمین منابع، راه به جایی نمی‌برد. دولت آماده است هر چه لازم است امضا کند و پای کار بایستد، اما شرط آن، واقع‌بینی نسبت به منابع و ظرفیت‌های مالی کشور است.»

➤ **کار را به کارشناسان بسپاریم حتی اگر ما را قبول ندارند**
رئیس جمهور طی نشست با فعالان سیاسی این استان گفت: «وقتی از وفای سخن می‌گوییم، نباید در عمل دچار اختلاف و نزاع شویم. وفای یعنی نظم در گفتار و رفتار تا بتوانیم امور را بر اساس چارچوب مشخصی اداره کنیم و به نتیجه برسیم. اگر نتوانیم روند گفت‌وگو را مدیریت کنیم، وفای فقط در حد شعار باقی می‌ماند.» او با بیان اینکه وفای واقعی یعنی تحمل همه جریان‌ها و شنیدن همه صداها، افزود: «اگر گروهی را ببینیم و گروهی را نادیده بگیریم، این وفای نیست. حتی اگر کسی منتقد یا مخالف باشد، باید فرصت گفتن داشته باشد. یا سخن او حق است که باید پذیرفته شود، یا ناحق است که باید با منطق و استدلال پاسخ داده شود.» پزشکشان در پایان صحبت‌های خود در این نشست و در واکنش به طرح مشکلات از سوی حاضرین گفت: «تمام این حرف‌ها خلاصه‌اش یک چیز است. همه مشکلاتی که گفتید، راه‌حل دارد و اتفاقاً ساده هم هست، به یک شرط؛ اینکه در برابر کاردانات و کارشناسان واقعی، امتحان پس داده ودان، احترام بگذاریم و در برابر علم سر خم کنیم. آن کارشناس الزاماً دوست من نیست، حتی ممکن است من را قبول نداشته باشد، اما اگر بخواهم مملکتم درست شود، باید در خانه‌اش بروم و از او بخواهم بیاید و کمک کند. ما حق نداریم با غرور و تکبر با دانایان و متخصصان بر خور کنیم. باید بدانیم که عزت در علم است و بزرگی در دانایی.» رئیس جمهور تأکید کرد: «این افراد ممکن است ترک، کرد، بلوچ، عرب، یا عجم باشند، مهم نیست. ملاک، کاردانی و صلاحیت است، نه قوم و زبان. باقی حرف‌ها همه نفسانیت و تعصب است. باید همان‌طور که برای درمان جسم خود دنبال پزشک حاذق می‌گردیم، برای درمان جامعه نیز دنبال کارشناس امین و متخصص باشیم.»